

تحلیل و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی

چکیده

در پی ناکارآمد بودن شاخص‌ها در تبیین رشد و توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ در گزارش برنامه عمران ملل متحد^۱ شاخص مرکب توسعه انسانی موسوم به HDI^۲ توسط کارشناسان آن سازمان مطرح شد. این شاخص از ترکیب شاخص‌های امید به زندگی، باسوادی و درآمد سرانه به دست می‌آید و در محاسبه آن از حداقل، حداکثر و نسبت بین آنها استفاده می‌شود.

در نوشته حاضر سعی می‌شود تا با محاسبه شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان‌های کشور، میزان محرومیت و توسعه مناطق یاد شده را مورد ارزیابی قرار گیرد و پس از طبقه‌بندی به نمایش تفاوت‌ها و تشابهات مناطق روستایی پرداخته شود.

شاخص محرومیت و توسعه انسانی ضمن نمایش نقاط قوت و ضعف مناطق روستایی، می‌تواند مبنای مناسبی برای کاهش اختلافات منطقه‌ای قلمداد شود و آگاهی از میزان نابرابری موجود در بین مناطق روستایی مهمترین گام در ارایه راهبردهای متناسب و افزایش ضریب موفقیت روش‌های توسعه و برنامه‌ریزی درون و برون منطقه‌ای است.

براساس نتایج حاصل از محاسبه شاخص محرومیت، استان‌های سیستان و بلوچستان با شاخص ۰/۹۴۱ کردستان ۰/۷۴۰، ایلام ۰/۶۹۹، کهگیلویه و بویراحمد ۰/۶۷۸، زنجان ۰/۶۴۷، آذربایجان غربی ۰/۶۳۱ و استان هرمزگان با شاخص ۰/۵۹۹ از جمله محروم‌ترین مناطق روستایی استان‌های کشور می‌باشند.

1. United Nation Development Program.

2. Human Development Index.

همچنین با توجه به مقادیر HDI استان‌های تهران با شاخص یک، فارس ۰/۸۸۴، اصفهان ۰/۷۹۱، یزد ۰/۷۴۰ و استان گیلان با شاخص ۰/۷۳۶ در رتبه‌های اول تا پنجم از نظر شاخص توسعه انسانی قرار دارند.

در یک جمع‌بندی کلی طبقه‌بندی HDI نشان می‌دهد که استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان از نظر شاخص توسعه انسانی بسیار محروم و یازده استان یا ۴۳/۸۵ درصد استان‌ها جزء استانهای محروم و ۸ استان یا ۳۳/۳ درصد استان‌ها با شاخص HDI قوی از جمله استان‌های توسعه یافته و استان‌های فارس، تهران و اصفهان یا ۱۲/۵ درصد استانها از نظر شاخص توسعه انسانی جزء مناطقی بسیار توسعه یافته قلمداد می‌شوند براین اساس سیزده استان یا ۵۴/۱۴ درصد از استان‌های مورد مطالعه از نظر شاخص HDI جزء استان‌های محروم و بسیار محروم می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: شاخص توسعه، توسعه انسانی، HDI، مناطق محروم، ایران.

طرح مسأله و تاریخچه

طی سال‌های گذشته محققان با بهره‌گیری از اطلاعات و روش‌هایی کمی که عمدتاً ماهیتی اقتصادی داشت موفق به تبیین میزان رشد و توسعه در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی نگردیدند (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰، ۱۵۲). مسأله استفاده از روش‌های کمی - کیفی و بهره‌گیری از داده‌هایی با خصوصیات کیفی (نقی‌زاده، ۱۳۸۲، ۱۶۱) در سال ۱۹۹۰ کارشناسان سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا با ترکیب عوامل امید به زندگی، با سواد و درآمد سرانه شاخصی را طراحی کنند که به نام شاخص توسعه انسانی یا HDI معروف گردید (زیاری، ۱۳۷۸، ۱۳۲؛ داودی، ۱۳۷۶، ۹۵). از این زمان به بعد کارشناسان و محققین علوم مختلف از این شاخص استقبال نموده (معمارزاده، ۱۳۷۴، ۱۸۵) و برخی از آنها این شاخص را با ترکیب سایر عوامل نیز به کار برده‌اند، لیکن مسأله مهم ترکیب متناسب و کیفی عوامل مورد استفاده در این ارزیابی است (حقی، ۱۳۷۱، ۱۹۱-۱۷۷). در رویکرد توسعه انسانی مصرف کالاها و خدمات را تنها یکی از عناصر زندگی بهتر می‌داند و برآوردن نیازهای روحی و گسترش ظرفیت‌های ذهنی را عنصر دیگر زندگی بهتر به شمار می‌آورد که از طریق پرورش قوای ذهنی به ویژه با آموزش حاصل می‌شود (ذانی، ۱۳۸۰، ۱۹۲). برخورداری انسان از زندگی دراز و سالم و خلاق در محیط زیستی غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک هدف نهایی توسعه است (خواجه پور، ۱۳۷۵، ۱۱).

مزایای شاخص

از جمله مزایای این شاخص عبارت‌اند از:

۱. استفاده توأمان از سه عامل کلیدی امید به زندگی، باسوادی و درآمد سرانه در محاسبه شاخص (صالح‌نسب، ۱۳۷۴، ۱۷-۱ و سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، ۴۰-۳۵).
۲. در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی (درآمد سرانه) (زاهد، قنبری، ۱۳۷۳، ۲۱۳-۲۰۳).
- توجه به سلامتی و بهداشت (امید به زندگی) که در واقع عملکرد سازمان بهداشتی کشور را نشان می‌دهد (روشن، ۱۳۸۳، ۱۷۱) و داشتن بینش و آگاهی (باسوادی) در ترکیب عوامل شاخص است (حسینی، ۱۳۷۵، ۱۷-۱۰). به طوری که با مفهوم توسعه پایدار نسبت به سایر شاخص‌ها قرابت بیشتری دارد (نوروزی، ۱۳۷۹، ۸).
۳. نسبت اختلاف هر منطقه با توسعه یافته‌ترین منطقه در هر عامل به میزان حداکثر اختلاف موجود در بین مناطق مورد توجه قرار می‌گیرد.
۴. از شاخص مرکزی میانگین نیز استفاده می‌شود.
۵. با استفاده از این شاخص می‌توان به میزان اختلافات، تشابهات و پراکندگی‌های منطقه‌ای در کشور دست یافت (نوروزی، ۱۳۷۹، ۱۴-۱۲) و این مسأله را بر روی نقشه و نمودار نمایش داد.
۶. از این روش می‌توان علاوه بر بررسی مناطق به مطالعه شاخص بین گروه‌ها و حتی مطالعه وضعیت شاخص HDI براساس جنسیت نیز پرداخت (گریفین، ۱۳۷۵، ۲۰۲-۱۹۹)، (نوربخش، ۱۳۸۲، ۱۱-۸).
- به طور کلی شاخص‌های توسعه انسانی اصول و ضوابطی هستند که دانشمندان و محققین و متخصصان رشته‌های مختلف علوم از بین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی برای مقایسه کشورهای جهان از نظر سطوح کمی و کیفی دستاوردها و استانداردهای زندگی مردم در نظر گرفته‌اند (نظری، ۱۳۷۷، ۲).

اهداف

هدف این مجموعه تعیین میزان توسعه، محرومیت و طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های کشور است به گونه‌ای که با یک طبقه‌بندی و گویا نمودن آن با نقشه و نمودار

جایگاه هر کدام از مناطق تعیین شود و در تخصیص امکانات و خدمات روستایی به برنامه‌ریزان و مسئولان یاری رساند.

مسلماً مقایسه نتایج با دستاوردهای سایر روش‌ها و الگوها نیز می‌تواند میزان کارآمدی این شاخص و انتخاب راهبردهای بهینه را امکان‌پذیر نماید. لیکن مهم‌ترین مشکل در محاسبه شاخص توسعه انسانی عدم وجود اطلاعات اصلی و کلیدی در مورد مناطق خصوصاً در سطح شهرستانی و پایین‌تر است. همچنین عدم هماهنگی اطلاعات در سطوح استانی به خاطر تغییر مرز استان‌ها بر اثر ادغام و یا تشکیل استان‌های جدید در کشور و عدم هماهنگی زمانی اطلاعات (نوروزی، ۱۳۷۹، ۶) نیز از جمله موانع بهره‌گیری از این روش قلمداد می‌شوند.

اهمیت و کاربرد

۱. به طور کلی گزارش‌های توسعه انسانی برای تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اقتصادی، برای نهادهای جامعه مدنی دارای پیام‌هایی است. همچنین مقایسه کشورها و توجه به شاخص‌ها و استانداردهای بین‌المللی را در پی خواهد داشت. (معافیان و دیگران، ۱۳۷۵، ۳۳-۳۴).

۲. شاخص توسعه انسانی به خاطر اندازه‌گیری پیشرفت اجتماعی - اقتصادی نسبی بدیلی برای محصول ناخالص ملی به دست می‌دهد و مردم و دولت‌ها را قادر می‌سازد پیشرفت‌ها را در طول زمان ارزشیابی نموده و برای دخالت‌های سیاسی اولویت تعیین کنند و نهایتاً امکان مقایسه آموزنده بین تجربه‌های به دست آمده در کشورهای مختلف را فراهم می‌سازد (معمارزاده، ۱۳۷۴، ۳۹).

۳. این شاخص نشان می‌دهد که یک کشور تا دستیابی به مرحله تأمین معیارهای ضروری برای تمامی افراد جامعه چه فاصله‌ای را باید طی کند و مشخص می‌سازد که اگر مردم سه شاخص اصلی را در اختیار داشته باشند قادر خواهند بود سایر فرصت‌ها را نیز کسب نمایند. (اکبری، ۱۳۷۸، ۱۷).

مراحل کار

با داشتن سه شاخص باسوادی، درآمد و امید به زندگی طی سه مرحله زیر می‌توان به محاسبه شاخص توسعه انسانی مبادرت نمود.

۱. مرحله اول: تعریف اندازه محرومیت مکان‌های مورد مطالعه در هر شاخص از طریق آماره زیر:

$$I_{ij} = \frac{(Maxjx_{ij} - x_{ij})}{(Maxjx_{ij} - Minjx_{ij})}$$

۲. مرحله دوم: محاسبه میانگین اندازه محرومیت مکان‌های مورد مطالعه:

$$I_j = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n I_{ij}$$

۳. مرحله سوم و نهایتاً محاسبه شاخص توسعه انسانی هر یک از مکان‌ها (حقی، ۱۳۷۱، ۱۹۱-۱۷۷).

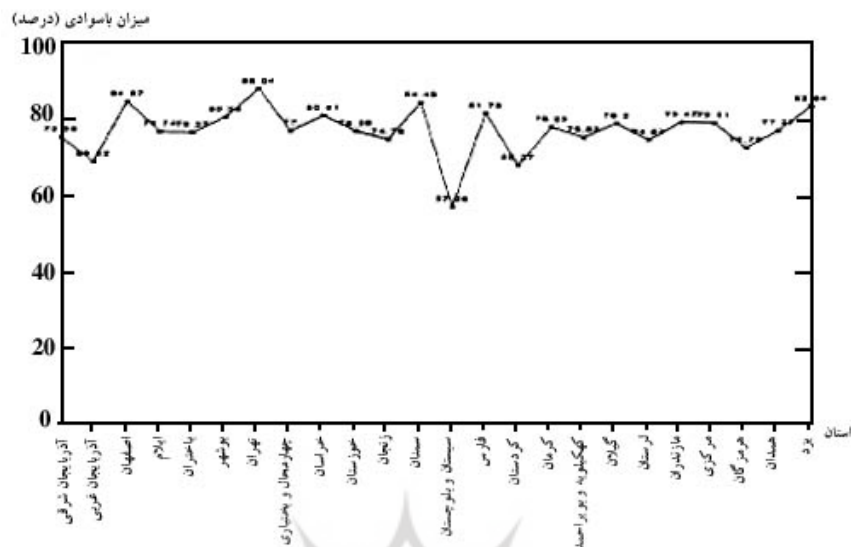
$$HDI = (1 - I_j)$$

البته طی زمان در روش محاسبه و زمینه آن تعدیل‌هایی نیز صورت گرفته است. (گریفین، ۱۳۷۵، ۲۰۳-۱۹۳).

شاخص باسوادی

میزان باسوادی مناطق روستایی استان‌های کشور در نمودار ۱ نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بالاترین میزان باسوادی مربوط به مناطق روستایی استان تهران با ۸۸/۰۴ درصد می‌باشد. در مقابل پایین‌ترین میزان باسوادی ۵۷/۲۶ درصد مربوط به مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان است. متوسط باسوادی مناطق مورد مطالعه ۷۷/۱۹ درصد بوده که به طور متوسط مناطق روستایی استان‌های کشور به میزان ۶/۱۶ درصد نسبت به میانگین اختلاف دارند.

همچنین میزان باسوادی مناطق روستایی استان‌های آذربایجان شرقی (۷۵/۳۶ درصد) آذربایجان غربی (۶۹/۰۲ درصد)، ایلام (۷۶/۷۴ درصد)، باختران (۷۶/۵۶ درصد)، چهارمحال بختیاری (۷۷ درصد)، خوزستان (۷۶/۸۹ درصد)، زنجان (۷۴/۷۶ درصد)، سیستان و بلوچستان (۵۷/۲۶ درصد)، کردستان (۶۸/۲۷ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۷۵/۵۲ درصد)، لرستان (۷۴/۸۴ درصد) و هرمزگان (۷۲/۸۷ درصد) کمتر از میانگین مناطق روستایی استان‌های مورد مطالعه بوده و درصد باسوادی سایر استان‌ها بالاتر از میانگین یاد شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).



نمودار ۱ میزان باسوادی مناطق روستایی استان‌های مختلف کشور

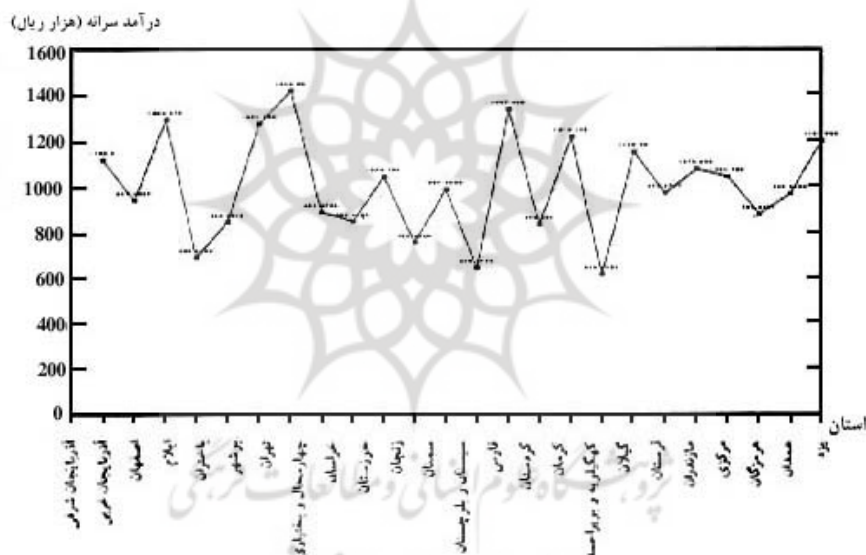
شاخص باسوادی مناطق روستایی استان‌های کشور نیز محاسبه و در جدول ۱ آمده است. نمودار شاخص باسوادی مناطق نیز ترسیم (نمودار ۲) و در نقشه ۱ مناطق رتبه‌بندی شده‌اند. بر این اساس چهار استان برتر عبارت‌اند از: استان تهران (رتبه اول)، استان اصفهان (رتبه دوم)، استان سمنان (رتبه سوم) و استان یزد (رتبه چهارم) و در مقابل استان‌های هرمزگان، آذربایجان غربی، کردستان و سیستان و بلوچستان با رتبه‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم در آخرین ردیف جدول رده‌بندی قرار می‌گیرند.

جدول ۱ شاخص باسوادی مناطق روستایی استان‌های مختلف

استان	شاخص	استان	شاخص	استان	شاخص
آذربایجان شرقی	۰/۴۱۱۹	خراسان	۰/۲۳۱۶	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۴۰۶۷
آذربایجان غربی	۰/۶۱۷۹	خوزستان	۰/۳۶۲۲	گیلان	۰/۲۸۷۱
اصفهان	۰/۱۰۹۴	زنجان	۰/۴۳۱۴	لرستان	۰/۴۲۸۸
ایلام	۰/۳۶۷۱	سمنان	۰/۱۱۵۳	مازندران	۰/۲۷۸۴
باختران	۰/۳۷۲۶	سیستان و بلوچستان	۱	مرکزی	۰/۲۸۳۶
بوشهر	۰/۲۴۳۰	فارس	۰/۲۰۳۳	هرمزگان	۰/۴۹۵۸
تهران	۰	کردستان	۰/۶۴۲۳	همدان	۰/۳۴۹۹
چهارمحال و بختیاری	۰/۳۵۸۶	کرمان	۰/۳۱۸۷	یزد	۰/۱۴۲۹

استان‌های مورد مطالعه ۱۰۰۲۷۴۴/۴۹ ریال بوده که به طور متوسط درآمد سرانه خانوارهای هر استان از میانگین درآمد کلیه استان‌ها به میزان ۲۱۵۲۸۹/۲۲ ریال اختلاف نشان می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

نمودار ۳ نشان می‌دهد که میزان درآمد سرانه خانوارهای روستایی استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، باختران، چهارمحال و بختیاری، خراسان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، هرمزگان و همدان از متوسط درآمد استان‌های مورد مطالعه کمتر و بقیه استان‌ها از درآمدی بالاتر از میانگین کل استان‌ها برخوردار بوده‌اند.



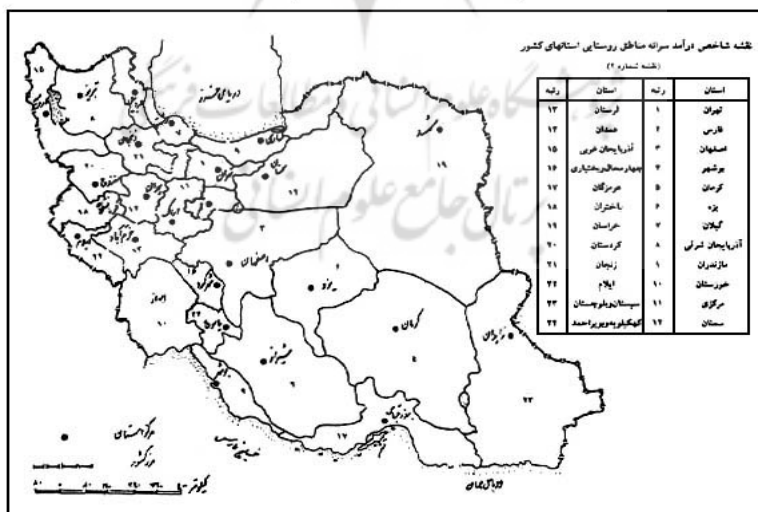
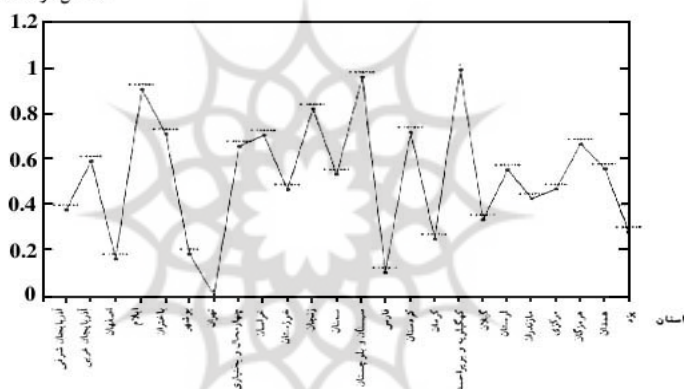
نمودار ۳ میزان درآمد سرانه خانوارهای مناطق روستایی استان‌های مختلف

شاخص درآمد سرانه مناطق روستایی استان‌ها نیز مطابق جدول ۲ محاسبه و نمودار ۴ ترسیم گردیده است سپس در نقشه ۲ استان‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. بر این اساس مناطق روستایی استان‌های تهران، فارس، اصفهان و بوشهر رتبه‌های اول تا چهارم و استان‌های زنجان، ایلام، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد رتبه‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول ۲ شاخص درآمد سرانه مناطق روستایی استان‌های مختلف

استان	شاخص	استان	شاخص	استان	شاخص
آذربایجان شرقی	۰/۳۷۱۱	خراسان	۰/۷۰۴۴	کهگیلویه و بویراحمد	۱
آذربایجان غربی	۰/۵۸۶۶	خوزستان	۰/۴۶۳۲	گیلان	۰/۳۳۴۵
اصفهان	۰/۱۵۶۷	زنجان	۰/۸۲۲۹	لرستان	۰/۵۵۴۷
ایلام	۰/۹۰۷۰	سمنان	۰/۵۳۱۲	مازندران	۰/۴۲۶۷
باختران	۰/۷۰۸۰	سیستان و بلوچستان	۰/۹۶۵۱	مرکزی	۰/۴۶۸۷
بوشهر	۰/۱۷۹۶	فارس	۰/۱۰۰۵	هرمزگان	۰/۶۶۹۴
تهران	۰	کردستان	۰/۷۲۱۵	همدان	۰/۵۵۹۲
چهارمحال و بختیاری	۰/۶۵۴۸	کرمان	۰/۲۴۸۷	یزد	۰/۲۸۰۵

شاخص درآمد سرانه

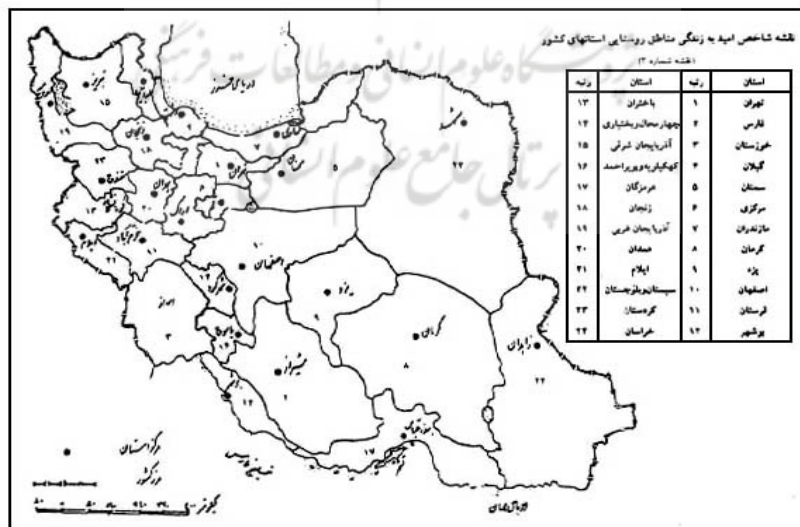
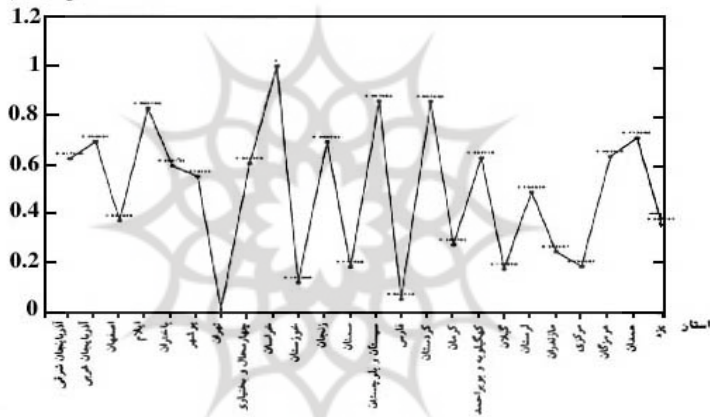


نمودار ۴ شاخص درآمد سرانه خانوارهای مناطق روستایی استان‌های مختلف

جدول ۳ شاخص امید به زندگی مناطق روستایی استان‌های مختلف

استان	شاخص	استان	شاخص	استان	شاخص
آذربایجان شرقی	۰/۶۱۷۴۸۴	خراسان	۱	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۲۸۴۱۵
آذربایجان غربی	۰/۶۸۸۵۲۴	خوزستان	۰/۱۰۹۲۸۹	گیلان	۰/۱۶۹۳۹۸
اصفهان	۰/۳۶۰۶۵۵	زنجان	۰/۶۸۸۵۲۴	لرستان	۰/۴۸۶۳۳۸
ایلام	۰/۸۲۵۱۳۶	سمنان	۰/۱۷۴۸۶۳	مازندران	۰/۲۴۰۴۳۷
باختران	۰/۵۹۰۱۶۳	سیستان و بلوچستان	۰/۸۵۷۹۲۳	مرکزی	۰/۱۸۰۳۲۷
بوشهر	۰/۵۴۶۴۴۸	فارس	۰/۴۳۷۱۵	هرمزگان	۰/۶۳۳۸۷۹
تهران	۰	کردستان	۰/۸۵۷۹۲۳	همدان	۰/۷۱۰۳۸۲
چهارمحال و بختیاری	۰/۶۰۱۰۹۲	کرمان	۰/۲۶۷۷۵۹	یزد	۰/۳۵۵۱۹۱

شاخص امید به زندگی



نمودار ۶ شاخص امید به زندگی مناطق روستایی استان‌های مختلف

شاخص محرومیت HPI^۳ مناطق روستایی استان‌های کشور

با توجه به شاخص‌های باسوادی، درآمد سرانه و امید به زندگی شاخص محرومیت مناطق روستایی HPI استان‌های کشور محاسبه و در جدول ۴ آمده است. بر این اساس استان‌های سیستان و بلوچستان با شاخص ۰/۹۴۱، کردستان با شاخص ۰/۷۴۰، ایلام با شاخص ۰/۶۹۹، کهگیلویه و بویراحمد با شاخص ۰/۶۷۸، زنجان با شاخص ۰/۶۴۷، آذربایجان غربی با شاخص ۰/۶۳۱ و استان هرمزگان با شاخص ۰/۵۹۹ از جمله محروم‌ترین مناطق روستایی استان‌های کشور محسوب می‌شوند.

جدول ۴ شاخص محرومیت مناطق روستایی استان‌های مختلف

استان	شاخص	استان	شاخص	استان	شاخص
آذربایجان شرقی	۰/۴۶۶۸	خراسان	۰/۶۴۵۳	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۶۷۸۳
آذربایجان غربی	۰/۶۳۱۰	خوزستان	۰/۳۱۱۵	گیلان	۰/۲۶۳۷
اصفهان	۰/۲۰۸۹	زنجان	۰/۶۴۷۶	لرستان	۰/۴۸۹۹
ایلام	۰/۶۹۹۷	سمنان	۰/۲۷۳۸	مازندران	۰/۳۱۵۱
باختران	۰/۵۵۶۹	سیستان و بلوچستان	۰/۹۴۱۰	مرکزی	۰/۳۱۰۸
بوشهر	۰/۳۲۳۰	فارس	۰/۱۱۵۸	هرمزگان	۰/۵۹۹۶
تهران	۰	کردستان	۰/۷۴۰۵	همدان	۰/۵۳۹۸
چهارمحال و بختیاری	۰/۵۳۸۲	کرمان	۰/۲۷۸۴	یزد	۰/۲۵۹۵

شاخص توسعه انسانی HDI مناطق روستایی استان‌های کشور

در جدول ۵ شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان‌های مختلف محاسبه شده است. با توجه به داده‌های جدول، متوسط شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی مورد مطالعه ۰/۵۵۲ است. بالاترین میزان شاخص یاد شده مربوط به استان تهران، معادل یک و کمترین آن به میزان ۰/۰۵۸ به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد. همچنین متوسط اختلاف استان‌ها از میانگین کل مناطق مورد مطالعه ۰/۲۱۸ می‌باشد.

با توجه به نمودار ۷ شاخص توسعه انسانی ۱۳ استان یا ۵۴/۱۶ درصد استان‌های مورد مطالعه شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، باختران، چهارمحال و بختیاری، خراسان، زنجان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، هرمزگان و همدان کمتر از متوسط کل این شاخص است در حالی که شاخص توسعه

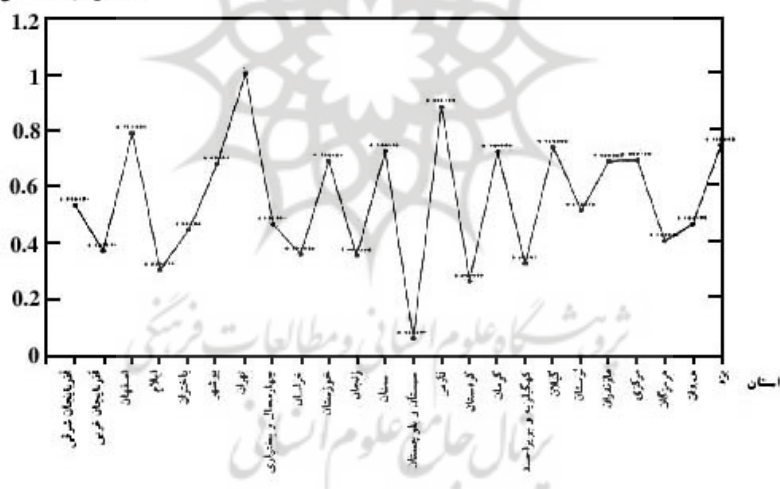
3. Human Poverty Index.

انسانی یازده استان یا ۴۵/۸۳ درصد استان‌های مورد مطالعه شامل استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، کرمان، گیلان، مازندران، مرکز و یزد بیشتر از متوسط کل می‌باشد.

جدول ۵ شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان‌های مختلف

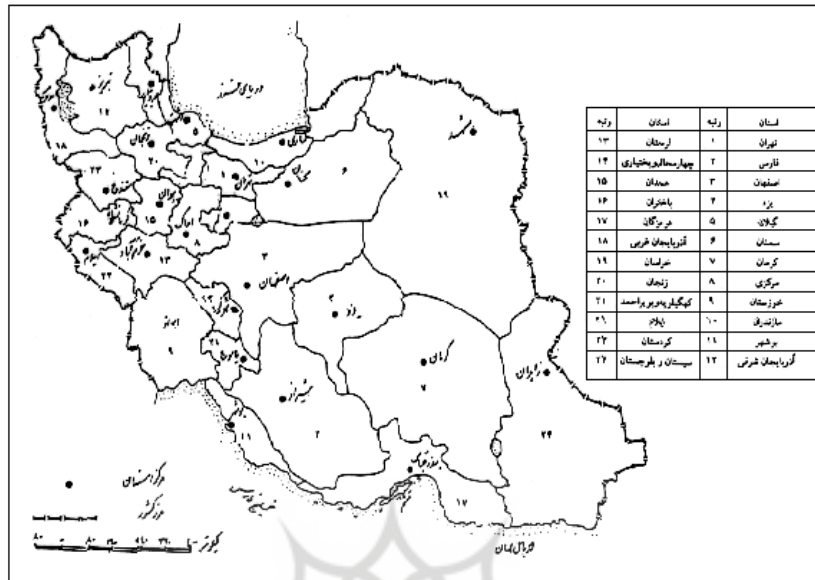
استان	شاخص	استان	شاخص	استان	شاخص
آذربایجان شرقی	۰/۵۳۳۱	خراسان	۰/۳۵۴۶	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۲۱۶
آذربایجان غربی	۰/۳۶۸۹	خوزستان	۰/۶۸۸۴	گیلان	۰/۷۳۶۲
اصفهان	۰/۷۹۱۰	زنجان	۰/۳۵۲۳	لرستان	۰/۵۱۰۰
ایلام	۰/۳۰۰۲	سمنان	۰/۷۲۶۱	مازندران	۰/۶۸۴۸
باختران	۰/۴۴۳۰	سیستان و بلوچستان	۰/۰۵۸۹	مرکزی	۰/۶۸۹۱
بوشهر	۰/۶۷۶۹	فارس	۰/۸۸۴۱	هرمزگان	۰/۴۰۰۳
تهران	۱	کردستان	۰/۲۵۹۴	همدان	۰/۴۶۰۱
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۶۱۷	کرمان	۰/۷۲۱۵	یزد	۰/۷۴۰۴

شاخص توسعه انسانی



نمودار ۷ شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان‌های مختلف

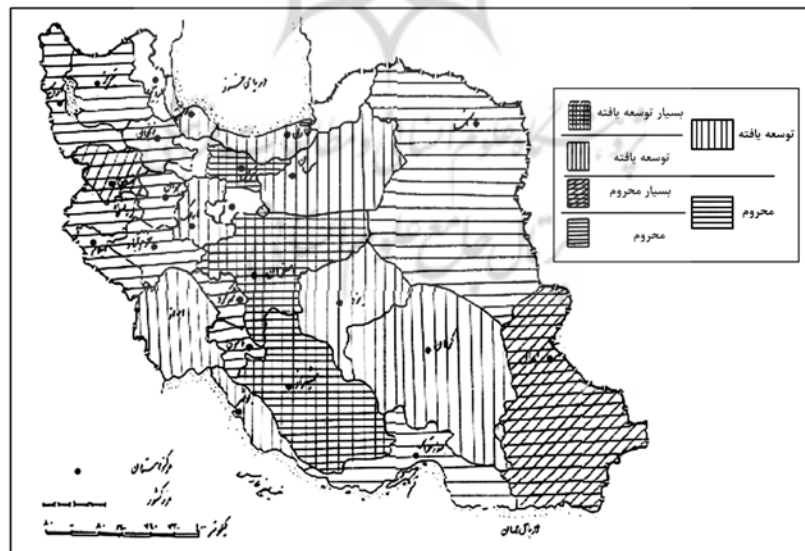
با توجه به مقادیر HDI، مناطق روستایی استان‌های کشور رتبه‌بندی گردیده و در نقشه ۴ نشان داده شده است. براین اساس تهران، فارس، اصفهان و یزد با رتبه‌های اول تا چهارم در رأس جدول طبقه‌بندی جای دارند. در مقابل آن استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان با رتبه‌های ۲۱ تا ۲۴ در انتهای جدول رده‌بندی قرار می‌گیرند.



نقشه ۴ شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان‌های کشور

طبقه‌بندی و نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن متوسط شاخص توسعه انسانی، در جدول ۶ مناطق روستایی استان‌های کشور در گروه طبقه‌بندی و در نقشه ۵ نشان داده شده است.



نقشه ۵ طبقه‌بندی شاخص توسعه انسانی مناطق روستایی استان‌های کشور

جدول ۶ طبقه‌بندی مناطق روستایی استان‌های مختلف براساس شاخص توسعه انسانی

گروه	شاخص HDI	درجه	استان
اول	۰-۰/۲۷۶	بسیار محروم	کردستان - سیستان و بلوچستان
دوم	۰/۲۷۷-۰/۵۵۲	محروم	آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - ایلام - باختران - چهارمحال و بختیاری - خراسان - زنجان - همدان - کهگیلویه و بویراحمد - لرستان - هرمزگان
سوم	۰/۵۵۳-۰/۷۷۶	توسعه یافته	بوشهر - خوزستان - سمنان - کرمان - گیلان - مازندران - مرکزی - یزد
چهارم	۰/۷۷۷-۱	بسیار توسعه یافته	اصفهان - تهران - فارس

با توجه به جدول ۶ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان با شاخص HDI بسیار ضعیف در گروه اول قرار گرفته و از نظر شاخص توسعه انسانی بسیار محروم می‌باشند.
۲. یازده استان یا ۴۳/۸۵ درصد استان‌های مورد مطالعه با شاخص HDI ضعیف در گروه دوم واقع و به عبارت دیگر جزء استان‌های محروم محسوب می‌گردند.
۳. هشت استان یا ۳۳/۳ درصد استان‌ها با شاخص HDI قوی از جمله استان‌های توسعه یافته قلمداد می‌شوند.
۴. استان‌های فارس، تهران و اصفهان نیز با شاخص HDI بسیار قوی از نظر شاخص توسعه انسانی بسیار توسعه یافته می‌باشند به عبارت دیگر ۱۲/۵ درصد استان‌های مورد مطالعه در این گروه قرار دارند.
۵. در یک طبقه‌بندی کلی‌تر و با در نظر گرفتن متوسط کل شاخص HDI تعداد ۱۳ استان یا ۵۴/۱۶ درصد استان‌ها از نظر شاخص توسعه انسانی محروم و یا بسیار محروم هستند. لذا اقدامات زیربنایی و عاجل در کاهش محرومیت بیش از یک دوم مناطق روستایی استان‌های کشور امری ضروری و نیازمند عزمی همه جانبه است.
۶. اختلاف بین توسعه یافته‌ترین و محروم‌ترین مناطق از نظر شاخص HDI یعنی مابین تهران و سیستان و بلوچستان ۱۷ برابر است.
۷. با توجه به نقشه ۵ از ۱۲ استان مرزی مورد مطالعه ۸ استان از نظر شاخص HDI محروم و بسیار محروم می‌باشند این تعداد ۶۶/۶۶ درصد استان‌های مرزی کشور را در بر می‌گیرد. بنابراین به لحاظ مسایل امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شایسته توجه ویژه‌ای است (نوروزی، ۱۳۷۹، ۸).

۸. به منظور محرومیت زدایی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای اجرای طرح‌های عدم تمرکز در تمامی ابعاد و زمینه‌ها لیکن برحسب اولویت امری اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا توجه به کاهش نابرابری‌های درون منطقه‌ای و تعدیل نابرابری‌های موجود مابین مناطق شهری و روستایی نیز نقش مؤثری بر عهده خواهد داشت.
۹. بهره‌گیری از شاخص توسعه انسانی به منظور مطالعه و شناسایی تفاوت‌ها و تشابهات مناطق روستایی کشور و در نظر گرفتن نتایج سایر الگوها و روش‌ها نیز می‌تواند برنامه‌ریزان را در امر توسعه و برنامه‌ریزی شهری و روستایی کمک نماید.

منابع و مآخذ

۱. اذانی، مهری (۱۳۸۰): توسعه انسانی، فقر و جنسیت، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۰-۱۶۹.
۲. اکبری، نعمت‌الله (۱۳۷۸): مباحثی از توسعه در ایران، هشت بهشت.
۳. حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰): برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، سمت.
۴. حقی، محمدعلی (۱۳۷۱): شاخص‌های کالبدی و طرح‌ریزی سرزمینی، کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۵. داودی، احمد (۱۳۷۶): ایران و توسعه انسانی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲۱.
۶. روشن، احمدرضا (۱۳۸۳): نگاهی به گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۳، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۲ - ۲۰۱.
۷. زاهد قنبری، ابراهیم (۱۳۷۳): گزارش توسعه انسانی و بازار اشتغال، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴.
۸. زنجانی، حبیب‌الله و مجید کوششی (۱۳۷۱): بررسی مرگ و میر در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۹. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸): اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه یزد.
۱۰. صالح نسب، غلامحسین (۱۳۷۴): گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، مجله جهاد، شماره ۱۸۱ - ۱۸۰.
۱۱. کریفین، کیث و کنلی، تری مک، ترجمه غلامرضا خوجه‌پور (۱۳۷۵): تحقق استراتژی توسعه انسانی، مؤسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵): نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری، سازمان برنامه و بودجه.
۱۴. معافیان، عبدالحمید و دیگران (۱۳۷۸): اولین گزارش توسعه انسانی در ایران، سازمان برنامه و بودجه.
۱۵. معمارزاده، قدرت‌الله (۱۳۷۴): گزارش توسعه انسانی، سازمان برنامه و بودجه.
۱۶. نظری، علی‌اصغر (۱۳۷۷): تحلیلی بر مقایسه گزیده شاخص‌های مهم توسعه انسانی ایران و کشورهای همجوار، قسمت اول، رشد آموزشی جغرافیا، شماره ۴۹.
۱۷. تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۲): جایگاه توسعه انسانی در برنامه‌های توسعه، اطلاعات اقتصادی - سیاسی، شماره ۱۹۱-۱۹۲.
۱۸. نوربخش، فرهاد (۱۳۸۲): توسعه انسانی و تفاوت‌های منطقه‌ای، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۸.
۱۹. نوروزی، غلامرضا (۱۳۷۹): توسعه انسانی در واپسین سال قرن بیستم، جنگل و مرتع، شماره ۴۸.